

ممنوعیت یا مقبولیت «تخفیف مجازات» در جرایم مستوجب حد

محمد رضا زندی*

عدنان عمرانی فر**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۷

چکیده

در حقوق کیفری اسلامی، جرایم مستوجب حد عبارت از جرایمی است که نوع، میزان و کیفیت اجرای آنها در شرع مقدس تعیین شده است. در واقع، هنگامی که جرم و مجازات آن در شرع مقدس بیان شده باشد قانونگذار عادی حق دخل و تصرف در آن را ندارد و نمی‌تواند مانند مجازات‌های تعزیری، آن را با توجه به شرایط و اوضاع و احوال، تدوین و اجرا نماید. این درست است که جرایم مستوجب حد، تخفیف‌بردار نیستند اما در میان فقها و حقوقدانان بر سر این موضوع اختلاف است و هر کدام از جبهه‌های موافق و مخالف اعمال تخفیف، برای خود دلایل و مبانی قابل توجهی ارائه نموده‌اند. در این راستا، پژوهش حاضر سعی نموده است تا علاوه بر حفظ اصل موضوع که همان منع اعمال تخفیف در جرایم مستوجب حد است، نظرات موافقان اعمال تخفیف و اصطلاحاً «به روز نمودن» جرایم مستوجب حد را به همراه منابع و مبانی فقهی و حقوقی آن و نیز از دیدگاه جرم‌شناسی مورد بررسی قرار دهد که نسبت به پژوهش‌های مرتبط نوعی نوآوری را در خود جای داده است. همچنین، این نوشتار بیان نموده که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قانون مجازات اسلامی سابق اشتیاق نسبتاً زیادی برای ورود نهاد «تخفیف» در جرایم مستوجب حد از خود نشان داده است.

واژگان کلیدی: جرایم مستوجب حد، مجازات، تخفیف، مصلحت، بازپروری.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

dr. z.cyber@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسؤول).

adnan.om.far@gmail.com

مقدمه

جرایم مستوجب حدّ در زمره جرایمی قرار دارد که در مبانی اسلام مجازات آن تعیین شده و شرایط و نحوه اثبات آن به تصریح بیان گردیده است، چنانکه ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲ نیز بیان می‌دارد: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است». بنابراین، با توجه به این که شارع مقدس، حدود را وضع نموده است لذا این که قانونگذار عادی بخواهد در جرایم مستوجب حد، تخفیف اعمال نماید چیزی دور از ذهن می‌باشد و قانونگذار عادی نمی‌تواند خلاف خواست شارع مقدس در این دسته از مجازات‌ها ورود کرده و آن را دستخوش تخفیف یا تغییر قرار دهد.

در قرآن کریم مبانی فراوانی وجود دارد که به اجرای حدود، حفظ حریم و اهتمام ویژه به اجرای آن تأکید می‌نماید. برای مثال، در آیه دوم از سوره نور آمده است: «مرد و زن زناکار را هر کدام صد تازیانه بزنید» و در آخر این موضوع تأکید می‌کند که «در دین خدا رأفت و عطفوت شما را فرا نگیرد». همچنین، در روایات از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌بینیم که این بزرگواران اهتمام ویژه‌ای به اجرای جرایم مستوجب حد و پاسداری از آن در جامعه اسلامی دارند و نقش اجرای آن را در جامعه اسلامی نقش ارزنده و مؤثری می‌دانند.

علی‌رغم این که جرایم مستوجب حد باید طبق خواست خداوند اجرایی گردد اما باید این موضوع را هم مد نظر داشت که بسیاری از فقهای بزرگ بر این باورند که حدود نباید در زمان غیبت اجرا گردند و اصطلاحاً باید حد تبدیل به تعزیر شود؛ زیرا امامان معصوم (ع) علاوه بر این که حدود را در جامعه اسلامی برپا می‌کردند از مصلحت‌گرایی در این دسته از جرایم غافل نبودند. حدیثی وجود دارد که در سنن ترمذی از رسول خدا (ص) نقل شده است که ایشان از قطع دست‌ها در جنگ نهی فرمودند و از جنادة بن ابی‌امیه نقل شده است که گفت: ما در دریا همراه با بئسر بن اریطه بودیم که دزدی را آوردند که به او مضرر می‌گفتند، بقچه‌ای را دزدیده بود. گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌گفت: دست‌ها را در سفر قطع نکنید و اگر چنین نبود هر آینه آن را قطع می‌نمود(القاسمی، ۱۳۸۸، ص ۵۳).

از دیدگاه جرم‌شناسی نیز تخفیف مجازات دارای اثرات و فواید فراوانی است تا آنجا که

بعضی از حقوقدانان و جرم‌شناسان، اجرای مجازات حدی را بدون در نظر گرفتن نهادهای مؤثر جرم‌شناسی بی‌فایده تلقی نموده‌اند و اصولاً مجازات‌های سنگین و طاقت‌فرسا را بدون کارکرد دانسته‌اند (اردبیلی، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۳۶).

۱. مفهوم حد

«حد» در لغت به معنای فصل و جدا ساختن وضع است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۵).^۱ حد از نظر لغوی دو معنای اصلی و ریشه‌ای دارد که یکی به معنای «منع» است و دیگری «طرف» و «لبه شیء» و بر همین مبنا حد به معنای «حد فاصل بین دو شیء» نیز به کار رفته است، چنانکه وقتی که گفته می‌شود فلان شخص محدود است یعنی ممنوع می‌باشد. به دربان نیز حداد می‌گویند از آن جهت که مانع دخول مردم می‌گردد. آهن نیز به این علت حدید نامیده می‌شود که غیر قابل انعطاف و دارای صلابت و شدت است. حد گناهکار نیز به این دلیل حد نامیده شده است که مجرم را از تکرار آن باز می‌دارد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۱۷).

اما باید گفت که اصل و ریشه تمامی معانی ذکر شده برای واژه «حد» همان «منع» است (فاضل موحدی لنگرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴).

ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در تعریف حد آورده است: «حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است».

۲. اهتمام به اجرای بی‌کم و کاست حدود

در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که خواستار اهتمام ورزیدن به اجرای حدود می‌باشند که از جمله آنها می‌توان به آیه ۲ سوره نور، آیه ۱۸۷ سوره بقره، آیات ۱۳ و ۱۴ سوره نساء، آیه ۱۱۲ سوره توبه، آیه ۲۲۹ سوره بقره و همچنین آیه ۱ سوره طلاق اشاره نمود.

همچنین، روایت مهمی از پیامبر عظیم شأن اسلام در این باب وجود دارد که بیان داشته‌اند: «در روز قیامت حاکمی را که یک تازیانه از حد کاسته است می‌آورند. او می‌گوید:

۱. «الحد فی اللغة الفصل و المنع...».

پروردگارا! از روی دلسوزی به بندگان این کار را کردم. خداوند به او می‌فرماید: آیا تو به آنان از من دلسوزتری؟! آنگاه دستور داده می‌شود او را در آتش افکنند. سپس کسی را که یک تازیانه بیشتر زده است می‌آورند. او نیز می‌گوید: برای آن تازیانه‌های بیشتر زدم تا از گناهانت باز ایستند! پس فرمان می‌رسد که او را نیز در آتش افکنند» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۳۴) و در حدیث مهم دیگری نیز پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده‌اند: «جاری کردن یک حد از حدود الهی، بهتر است از چهل شب بارش باران در سرزمین‌های خدا» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۵۳۶).^۱

۳. مبانی حقوقی و جایگاه تخفیف در حدود

از مقایسه مواد ۱۸ و ۲۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به خوبی می‌توان دریافت که در جرایم مستوجب حد، نهاد تخفیف مجازات راهی ندارد. ماده ۱۸ قانون مذکور بیان می‌دارد که «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی».

در واقع، ماده فوق‌الذکر در رابطه با تخفیف مجازات درصدد بیان این مطلب است که مقررات مربوط به تخفیف مجازات توسط قانون مشخص می‌شود و تنها در تعزیرات کاربرد دارد (بخشی‌زاده اهری، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

از سوی دیگر ماده ۲۱۹ ق.م.ا.م.صوب ۱۳۹۲، در رابطه با این موضوع که حدود تخفیف‌بردار نیستند، تعیین تکلیف کرده و بیان داشته است که «دادگاه نمی‌تواند کیفیت،

۱. «أقامة حدّ من حدود الله خیر من مطر أربعین لیلة فی بلاد الله».

نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل یا ساقط نماید. این مجازات‌ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است.»

از مقایسه این دو ماده می‌توان به این نتیجه رسید که تخفیف مجازات در انحصار تعزیرات می‌باشد و بحث تخفیف مجازات را باید در تعزیرات جستجو کرد و در جرایم مستوجب حد تخفیف راهی ندارد.

۴. نگرش جدید در جرایم مستوجب حد

دین مبین اسلام، دین کامل و جامعی است. در واقع، انسان در صورتی که اهل تفکر و تعقل باشد و به قرآن کریم رجوع نماید می‌تواند راه گشودن تمام گره‌های کور را دریابد. درست است که وقتی جرم حدی به اثبات می‌رسد هیچ‌گونه تأخیر و تعطیل و یا تخفیف در مجازات آن راه ندارد اما باید به نیازهای روز جامعه و دگرگونی‌های آن هم توجه نمود. زندگی شهرنشینی و تغییر آداب و رسوم زندگی و نگرش انسان‌ها ایجاب می‌کند که بعضی از واکنش‌های کیفری به روز شوند. امروزه نگرش‌ها نسبت به جرایم، از حالت تک بُعدی خارج شده است و مجرم را نوعی بیمار می‌دانند که باید با سیاست‌های کیفری، درمان و به جامعه بازگردانده شود. یک نمونه از این سیاست‌ها را می‌توان در اقدامات تأمینی مشاهده نمود که اهدافی چون حمایت از جامعه، جلوگیری از تکرار جرم، اصلاح یا درمان مجرم را دنبال می‌کند (ولیدی، ۱۳۸۸، ص ۴۷۴).

بنابراین، جرایم مستوجب حد باید از آن حالت کلاسیک خود خارج و با یافته‌های روز جرم‌شناسی^۱ همگام گردد تا مجازات این دسته از جرایم بتواند اهداف اصلی حقوق کیفری را که همان اصلاح و بازپروری مجرم و عدم تکرار جرم است تأمین نماید. در این راستا، شایسته است که نحوه و مراسم اعمال مجازات‌ها تابع مقتضیات زمان باشد تا موجب پیشگیری از وقوع جرم توسط بزه‌کار و دیگران شود. بنابراین، اعمال مجازات‌های سنگین و شدید، بدون توجه به نتایج علمی و آماری وقوع جرایم، به مصلحت قواعد حاکم بر جامعه اسلامی نمی‌باشد (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ص ۱۵).

1. Criminology.

۴-۱. حدود بر مبنای پیشگیری نه مجازات

یکی از موضوعات مهم در جرم‌شناسی بحث پیشگیری از ارتکاب جرم^۱ می‌باشد و این موضوع در کشور ما نیز مورد توجه فراوان قرار گرفته است. در واقع، اگر فردی مرتکب جرم مستوجب حد شود و حد بر او جاری گردد از حیث فردی و اجتماعی عوارض بسیار وخیمی را برای او به همراه دارد. از ملاحظه بند پ ماده ۲۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ می‌توان دریافت در صورتی که فردی محکوم به مجازات حدی گردد و حد بر وی جاری شود به مدت دو سال از حقوق اجتماعی محروم می‌گردد؛^۲ اما در حقیقت شاید محکومان جرایم مستوجب حد تا ابد از حقوق خود محروم گردند. در جامعه‌ای که بر مبنای عقاید اسلامی بنا گردیده است مرتکب زنا یا شرب خمر از آن جامعه طرد شده محسوب می‌شود و اصطلاحاً در آن جامعه ارزش و اعتباری ندارد.

در واقع، می‌توان این‌گونه بیان کرد که جرایم مستوجب حد و مجازات‌های شدید آن، کیفرهایی برای اجرا نشدن می‌باشند؛ زیرا در صورت اجرای آنها اثرات ویرانگری برای فرد خواهند داشت. اثر بازدارندگی مجازات‌های شدید حدی را می‌توان با بازدارندگی ناشی از بمب اتم در جهان مدرن مقایسه نمود. این سلاح پر قدرت، بدون آن که دولت‌ها در جنگ‌های متعارف برنامه‌ای برای استفاده از آن را داشته باشند نماد اقتدار یک حکومت محسوب می‌شود. تهدید حاصل از بمب اتم تا زمانی که استفاده نشده است می‌تواند کارآیی داشته باشد. بنابراین، بمب اتم سلاحی برای استفاده نشدن است؛ زیرا کاربرد آن نتیجه‌ای جز تخریب و نابودی نخواهد داشت. با چنین تمثیلی می‌توان حدود را نیز کیفرهایی برای اجرا نشدن و یا آخرین راه دانست (جوان جعفری بجنوردی، ۱۳۹۲، ص ۸۵).

۴-۲. استفاده از نهادهایی همچون تعزیرات در حدود

شاید این مطلب در نگاه نخست کمی غیر منتظره به نظر برسد که نهادهایی همچون

1. Prevention of crime.

۲. ماده ۲۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: ...» و به موجب بند پ این ماده آمده است: «دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج».

اصل تفرید مجازات، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، تبدیل مجازات^۴ و یا سایر نهادهایی که در تعزیرات کاربرد دارند چگونه در جرایم مستوجب حد اجرا گردند در حالی که هیچ سابقه قانونی و شرعی در مورد آن مشاهده نمی‌گردد؟!

در مورد اصل فردی کردن مجازات‌ها باید این‌گونه بیان نمود که این اصل در شریعت اسلام تأیید شده است و اسلام هر پدیده را ناگزیر از پدیده دیگری می‌داند (باباخانی، ۱۳۷۴، ص ۲۰). بنابراین، وقتی که اصل تفرید مجازات‌ها میزان مجازات را با شرایط فردی، اجتماعی و خانوادگی و اوضاع و احوال جرم هماهنگ می‌کند و نقش ارزنده‌ای در تعزیرات ایجاد می‌نماید و یکی نهادهای ارزشمند در حقوق کیفری به شمار می‌آید لذا می‌توان پذیرفت که این نهاد مهم بتواند در حدود نیز اجرایی گردد تا نتایج ارزشمند آن در این دسته از مجازات‌ها نیز ظهور یابد.

یکی از اساتید حقوق در توجیه رعایت اصل فردی کردن مجازات در جرایم مستوجب حد بیان می‌دارد: «این که دو فرد را که یکی از آنان سوابق فردی و اجتماعی پسندیده‌ای دارد و از قضا از روی فریب دیگران یا غفلت مرتکب عمل شنیع زنا شده با فردی که پرونده شخصیتی‌اش او را انسان فاسدی نشان می‌دهد و قبح این عمل در وی شکسته شده است، در مورد آنان مجازات یکسانی اعمال کنیم جالب به نظر نمی‌رسد و رعایت نمودن اصل فردی کردن مجازات حتماً می‌تواند نتایج مثبت گسترده‌ای در این موضوع داشته باشد» (ر.ک: زندی، ۱۳۹۴-۱۳۹۳).

در رابطه با سایر نهادها همچون تعلیق اجرای مجازات، تعویق صدور حکم، تبدیل مجازات و ... هم می‌توان قائل به ورود آن در جرایم مستوجب حد بود. اکنون این پرسش به ذهن خطور می‌کند که آیا می‌توان جرم شرب خمر را تعلیق و اجرای مجازات آن را مشروط به ارتکاب جرم دیگری کرد؟

یکی از فقهای معاصر به پرسش فوق پاسخ مثبت داده است و قائل به این می‌باشد که در فرضی که مرتکب با پای خویش برای تحمل کیفر آمده است حاکم می‌تواند هرگونه مصلحتی درباره وی اتخاذ نماید. در واقع، حاکم که اختیار بخشش کل مجازات را دارد به

1. Individual punishment.
2. Sentencing delayed.
3. Suspension punishment.
4. Converting punishment.

طریق اولی، حق تعلیق نمودن مجازات مرتکب و یا اجرای بخشی از آن را هم دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۹۸). در حقیقت، حاکم می‌تواند بر مبنای مصلحت، مجازات مرتکب جرم حدی را تعلیق و یا این که از نهاد تعویق صدور حکم استفاده کند و یا حتی مجازات مرتکب را به مجازات مناسب‌تری تبدیل نماید.

البته، ناگفته نماند که هجر اصحاب در غزوه «تبوک» می‌تواند به عنوان یک نمونه از تبدیل مجازات در سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) مورد توجه قرار گیرد که آن حضرت افرادی را که از آمدن به جنگ خودداری نموده بودند در کنار سایر مجازات‌های رایج، تبعید نمودند و آنان با روی آوردن به توبه، از کار خود نادم و پشیمان شدند و در آنان شمایل اصلاح و بازپروری ظاهر گشت (فلاحی، ۱۳۸۹، ص ۸۶).

۵. جرایم مستوجب حد، در وادی تخفیف

همان‌طور که بیان گردید، جرایم مستوجب حد جرایمی می‌باشند که هیچ‌گونه اعمال تخفیف در آنها مجاز نیست؛ اما به نظر می‌رسد که با استفاده از برخی مبانی موجود در نهاد تخفیف مجازات بتوان راهکارهایی برای ورود این نهاد ارزشمند در جرایم مستوجب حد و استفاده از مزیت‌های آن ارائه نمود.

۵-۱. حدود بر مبنای مسامحه و تخفیف

با ملاحظه جرایم مستوجب حد، از بدو ارتکاب تا زمان اجرا، به راستی متوجه می‌شویم که خداوند متعال حدود را بر مسامحه و تخفیف بنا نهاده است؛ چراکه وقتی جرم حدی روی می‌دهد خداوند انسان را به سوی توبه راهنمایی می‌نماید و نمونه‌ای از این مورد را می‌توان در رفتار حضرت علی (ع) با یک فرد زناکار مشاهده نمود که ایشان فرمودند: «چرا در خانه‌اش توبه نکرد! به خدا سوگند! توبه‌اش در نهان خویش با خدا بالاتر از این است که بر او حد جاری سازم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۰۲). این نشان می‌دهد که خداوند نیز بدون اجرای مجازات توسط حاکم، توبه خالصانه افراد را می‌پذیرد و ارزش آن را از اجرای مجازات حدی بالاتر می‌داند. حتی در مرحله محاکمه نیز می‌توان با اقرار و سپس توبه، عفو را از امام خواستار شد و یا با شبهه، حدود را دور نمود.

این موضوع که جرایم مستوجب حد بر مبنای مسامحه و تخفیف نهاده شده است جایی نمود پیدا می‌کند که فرد در زمان تحمل مجازات با این که تمام ارکان جرم از ناحیه

وی محرز است با انکار خود از سخت‌ترین مجازات‌ها رهایی می‌یابد. این موضوع در ماده ۱۷۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ آورده شده است که بیان می‌دارد: «انکار بعد از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله، ولو در حین اجراء، مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می‌گردد».

این موارد تماماً نشان دهنده آن است که خداوند، پایه و اساس جرایم مستوجب حد را بر مبنای تخفیف و مسامحه قرار داده و اجرای آن را موقوف به موارد خاص نموده است. در مجموع با توجه به مباحث پیش‌گفته به نظر می‌رسد که شارع مقدس بر پایه اصلاح فرد و جامعه و حاکمیت خیر و فضایل اخلاقی در جامعه و سوق دادن افراد به سوی کمال انسانی و جامعه‌ای بر مدار فضیلت و پارسایی، برای مواردی که جزء نیازهای فطری و همیشگی انسان برای رسیدن به هدف خلقت می‌باشد، کیفرهای حدی را وضع کرده است. با توجه به مجموع قواعد و نهادهای حاکم بر حدود - مانند نهاد عفو، توبه و اصل بر پوشیده داشتن چنین لغزش‌هایی و در مرحله اجراء، فوریت، حتمیت، عدم رأفت و ... - به نظر می‌رسد صرف سزادهی و اجرای عدالت که خود منشأ حیات و پویایی جامعه اسلامی است، نباشد، بلکه بر دو نکته مهم دیگر یعنی بازدارندگی و موضوع اصلاح نیز تکیه می‌کند (پیوندی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲).

۵-۲. مصلحت‌گرایی در جرایم مستوجب حد

به نظر می‌رسد که با پیشرفت روزافزون تکنولوژی و همچنین بالا رفتن سطح آگاهی انسان‌ها، اذهان بین‌المللی دیگر قادر به درک مجازات‌های جرایم مستوجب حد نمی‌باشد، تا جایی که بیانیه‌های فراوانی از سوی دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد بر علیه ایران صادر شده است که این کشور، با اجرای مجازات‌هایی مثل رجم و حد قطع و شلاق حدی، حقوق بشر را نقض می‌کند و این در حالی است و این بیانیه‌ها به‌طور هدفمند و در جهت قبیح جلوه دادن نظام پاک اسلامی صادر می‌شوند.

کوپیستون نماینده ویژه دفتر حقوق بشر سازمان ملل متحد، در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران در گزارش خود به پنجاه و دومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اشاره به ماده ۸۳ قانون مجازات اسلامی سابق در مورد مجازات رجم بیان نموده بود که از دید وی شکی نیست که رجم یکی از مجازات‌های خشن، غیر انسانی و تحقیرکننده

است و مشمول عنوان مذکور در اسناد بین‌المللی فوق‌الذکر می‌باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۵، صص ۶۳-۶۱).

اصولاً احکام حکومتی در محدوده مصلحت‌سنجی حاکم صادر می‌شوند و حول محور مصالح اسلام و مسلمین می‌باشند. لذا صدور و تنفیذشان منوط به مصلحت است و در موضوع آن، مصلحت‌اندیشی شرط شده است. به عبارت دیگر، قوانین و احکام حکومتی به تناسب حکم و موضوع، اختصاص به مصالح عمومی و جهان اسلام داشته و تنها در حوزه مسائل اجتماعی مطرح می‌شوند. امور عبادی مادامی که در حوزه فردی مطرح شوند و از جهت اجتماعی اقتضائی وجود نداشته باشد، از قلمرو احکام حکومتی خارج‌اند. علامه طباطبایی در این خصوص می‌گوید: «هرگونه مقررات جدید که در پیشرفت زندگی اجتماعی جامعه مفید باشد و به صلاح اسلام و مسلمین تمام شود، مربوط به اختیارات والی است و هیچ‌گونه ممنوعیتی در وضع و اجرای آن نیست (طباطبایی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳). از این رو، با توجه به موضوعاتی که بیان گردید، مصلحت^۱ آن است که جرایم مستوجب حد موقتاً همچون تعزیرات پایه‌ریزی و بر مبنای مصلحت اجرا شوند و با یافته‌های جرم‌شناسی همگام گردند.

۵-۳. اعمال تخفیف در جرایم مستوجب حد

در نظام قانونگذاری ایران برای نخستین بار استفاده از نهاد «تخفیف» در مورد «حدود» به لایحه قانون مجازات اسلامی جدید ارسالی قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی باز می‌گردد. در ماده ۷-۲۱۵ این لایحه آمده بود: «در جرایم موجب حد به استثنای قذف هرگاه توبه و ندامت محکوم‌علیه بعد از اثبات جرم در دادگاه باشد چنانچه اثبات جرم توسط شهادت شهود نباشد قاضی صادرکننده حکم می‌تواند عفو یا تخفیف یا تبدیل آن را توسط رئیس قوه قضائیه از ولی امر مسلمین درخواست نماید». اما در اصلاحات اعمال شده در مجلس شورای اسلامی این ماده دچار تغییر گردید و عبارت «تخفیف یا تبدیل» از ماده حذف شد (فتحی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۳۷). این در حالی است که به جای واژه «تخفیف»، عبارت «تقلیل» جایگزین شد که در واقع همان بار معنایی تخفیف را دارد و به معنای کاستن، کاهش دادن، کم کردن و کاهش است (معین، ۱۳۸۷، ص ۳۳۸). در حقیقت، قانونگذار

1. Interest.

نخواستہ است تا به یک باره قید «تخفیف مجازات» را در «حدود» وارد کند و لذا از واژه «تقلیل» که دارای ابهام می‌باشد به جای «تخفیف» استفاده نموده است. درست است که مطالب فراوانی در قرآن و سنت وجود دارد که تأکید می‌نماید بر این که حدود الهی باید مطابق خواست شارع مقدس اجرا گردد و قابل دخل و تصرف نیست لکن همیشه نمی‌توان از ظاهر یک موضوع و بر مبنای اصالة الظهور، حکم به مسئله‌ای داد. برای مثال، در جنگ «صفین» وقتی که جبهه دشمن قرآن‌ها را بر سر نیزه کرد عده‌ای از ادامه جنگ منصرف شدند و از شرکت در صفوف حق علیه باطل انصراف دادند و حضرت علی (ع) هر چقدر سعی در روشن نمودن قصد باطنی دشمن نمود در نظر خوارج مؤثر واقع نگردید؛ چراکه آنها بر ظاهر قضیه حکم نمودند و چون قرآن‌ها را بر سر نیزه دیدند گفتند که ما با قرآن نمی‌جنگیم و این موضوع باعث خارج شدن و به انحراف کشیده شدن خوارج شد و این انحراف تا جایی بود که امیرالمومنین (ع) را از دین برگشته می‌خواندند. در واقع، پرسشی که در اینجا می‌توان مطرح نمود این است که آیا می‌توان در کیفر جرایم حدی، تخفیف و کاهش قائل شد یا خیر؟ برای مثال، در حد شراب خواری به جای این که از تمام کیفر دست بکشند، نیمی از آن را ببخشند و به چهل ضربه بسنده کنند؟!

ممکن است گفته شود که چنین چیزی جایز نیست؛ زیرا حاکم در صورت اقرار فقط می‌تواند ببخشد و یا اجرا کند و در غیر این‌ها (مانند تعزیرات) اعمال تخفیف در مجازات مرتکب نیاز به دلیل دارد و اصل هم بر حرام بودن کاهش کیفر بزهکار بدون دلیل است. در مقابل این سخن می‌توان گفت که از نگاه عرف و عقلا، از دلیل جایز بودن بخشش اصل حد برای حاکم می‌توان دریافت که بخشیدن قسمتی از حد یا تخفیف مجازات به طریق اولی جایز است و این مصداق آن بیت معروف مولوی است که می‌گوید: «چون که صد آمد نود هم پیش ماست». در واقع، هنگامی که حاکم بتواند کل مجازات را ببخشد حتماً حق اعمال تخفیف در مجازات مرتکب جرم حدی را هم دارد. تناسب این حکم نزد عرف و عقلا آن است که چنین فرد بزهکاری در پی اعتراف همراه با توبه و پشیمانی، شایستگی فرصت دیگر را با نظر حاکم و صلاح‌دید وی دارد. این اصل که گاهی اقتضای بخشیدن اصل حد را دارد گاهی نیز اقتضای این را دارد که در مجازات مرتکب تخفیف داده شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۹۸).

۶. نوآوری‌های تقنینی در جرایم مستوجب حد

یکی از مسائل مهمی که در بخش‌های پیشین به آن اشاره شد این بود که جرایم مستوجب حد، ثابت و تغییر ناپذیرند و در ادامه نیز مطالب و نظرات مرتبط با آن آورده شد. اما هنگامی که قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را با قانون مجازات اسلامی سابق در بحث «حدود» تطبیق می‌دهیم در جرایم مستوجب حد، شاهد تغییراتی هستیم که سابقه قانونگذاری و فقهی ندارند. از جمله موارد بارز این تغییرات، تخفیف و تبدیل مجازات رجم و حد سرق می‌باشد که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۶-۱. تخفیف و تبدیل مجازات رجم

مجازات «رجم» به عنوان یکی از شدیدترین و رنج‌آورترین مجازات‌ها برای هتک قبیح‌ترین عمل در شرع و اجتماع وضع گردیده است. در ماده ۸۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰، مجازات رجم به طور مطلق آورده شده بود و به هیچ عنوان قابل تبدیل به مجازات دیگری نبود که در برهه‌ای از زمان باعث شد تا دفتر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، جرایم مستوجب حد را مورد ایرادهای شدیدی قرار دهد و نسبت به آن اعلامیه‌هایی صادر نماید و این مجازات را در عصر حاضر نوعی تجاوز به حقوق انسانی و موجب وهن اسلام معرفی کند. این موضوع باعث گردید که قانونگذار در ماده ۲۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ بیان دارد که «حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضاییه چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد».

بنابراین، فشارهای بیرونی قانونگذار را مجبور به تغییر موضع کرد تا مجازات رجم را در ابتدای ماده فوق‌الذکر بیاورد و در صورت عدم امکان و عدم وجود شرایط مذکور، رجم را به اعدام تبدیل نماید که این خود نوعی اعمال تخفیف در مجازات حدی نسبت به قانون سابق است و عملاً با توجه به تصریح ماده مذکور، مجازات رجم اجرا نخواهد شد. ضمن این که استثنائاً در این مورد - علی‌رغم این که در مورد «حدود»، ماده ۲۱۹ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ این دسته از جرایم را جز با توبه و عفو قابل سقوط، تقلیل و تبدیل نمی‌داند - در صورتی که بینه شرعی وجود نداشته باشد و جرم با طرق دیگری به اثبات برسد موجب

صد ضربه شلاق برای هر یک از طرفین زنا می‌باشد که این خود نوعی تبدیل مجازات است (گلدوزیان، ۱۳۹۳، ص ۲۳۷).

لذا در قانون مجازات اسلامی جدید نسبت به قانون مجازات اسلامی سابق نوعی تخفیف‌گرایی و تعدیل مجازات در موارد فوق به چشم می‌خورد. اما اشکالی که در اینجا ظهور می‌کند در رابطه با ماده ۱۰۳ ق.م.ا.م صوب ۱۳۷۰ است که بیان می‌دارد: «هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زنا یا او به شهادت ثابت شده برای اجرای حد برگردانده می‌شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود». لذا پرسشی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که در فرض اعدام کردن زانی محصن یا زانیه محصنه، این موضوع که در مبانی فقهی هم به آن اشاره شده است چگونه باید اجرا گردد؟! اما پاسخ به پرسش فوق خود پژوهش دیگری را می‌طلبد و خارج از موضوع این نوشتار می‌باشد.

۶-۲. حد سرقت

طبق نظر فقها حد سرقت در صورت تکرار در مرتبه سوم حبس ابد می‌باشد^۱ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در ماده ۲۷۸^۲ این نظر را منعکس نموده است. بر اساس نظر مشهور فقها حبس ابد قابل تبدیل و تخفیف نمی‌باشد و سارق باید تا زمان مرگ در حبس بماند و اگر در طی دوران تحمل حبس، چه در داخل زندان و چه در خارج

۱. «و کیف کان فان سرقاً ثلثه حبس دائماً حتی یموت او یتوب».

۲. ماده ۲۷۸ ق.م.ا.م صوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «حد سرقت به شرح زیر است:

الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.

تبصره ۱- هرگاه سارق، فاقد عضو متعلق قطع باشد، حسب مورد مشمول یکی از سرقت‌های تعزیری می‌شود.

تبصره ۲- در مورد بند (پ) این ماده و سایر حبس‌هایی که مشمول عنوان تعزیر نیست هرگاه مرتکب حین اجرای مجازات توبه نماید و مقام رهبری آزادی او را مصلحت بدانند با عفو ایشان از حبس آزاد می‌شود. همچنین مقام رهبری می‌تواند مجازات او را به مجازات تعزیری دیگری تبدیل نماید».

زندانی مجدداً مرتکب سرقت مستوجب حد شود در مرتبه چهارم مجازات وی اعدام می‌باشد. اما از تبصره ۲ ماده ۲۷۸ قانون مذکور می‌توان دریافت که اگر سارق محکوم به حبس ابد، توبه نماید و مقام رهبری آزادی مرتکب را مصلحت بداند سارق از حبس آزاد می‌گردد و مجازات وی به مجازات تعزیری دیگری تبدیل می‌شود. البته، لازم به ذکر است که مجازات حبس تنها در جرم حدی سرقت موضوعیت ندارد و شامل تمام جرایم مستوجب حدی که منجر به حبس ابد شوند این مقررات رعایت می‌گردد.

بنابراین، با توجه به ماده فوق‌الذکر درمی‌یابیم که قانونگذار در مورد مجازات سرقت حدی یک رویکرد ارفاقی را در پیش گرفته است و توبه مرتکب در زمان حبس را باعث تخفیف مجازات او می‌داند. این رویکرد قانونگذار در حالی است که هیچ مبنای فقهی برای تخفیف مجازات در حبس ابد و تبدیل آن به مجازات دیگر نمی‌توان دید (فتحی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۲۸).

نتیجه

پس از بررسی منابع فقهی و حقوقی در رابطه با جرایم مستوجب حد و پژوهش در نظرات مخالفین و موافقین در جهت ورود تخفیف مجازات در جرایم مستوجب حد، نتایج زیر حاصل گردیده است.

۱- در قرآن کریم مبانی فراوانی وجود دارد که هرگونه اعمال تخفیف در جرایم مستوجب حد را ممنوع اعلام می‌دارد و خواستار این می‌باشد که این دسته از جرایم طبق خواست شارع مقدس اجرا گردند و در سنت هم به روایاتی برمی‌خوریم که اهتمام ویژه‌ای برای اجرای جرایم مستوجب حد قائل شده‌اند و اجرای آن را در جامعه اسلامی از بارش چهل روز باران مفیدتر می‌دانند.

۲- این درست است که جرایم مستوجب حد قابلیت استفاده از نهاد تخفیف را ندارند اما فقهای بسیاری رعایت اصل مصلحت و در واقع مصلحت‌گرایی در حوزه این دسته از جرایم را گوشزد می‌نمایند. امروزه با تحول وسیع در عرصه فرهنگ و آداب و سنن تمامی جوامع و با توجه به انتظاری که آنها از برخوردهای روزآمد و نوین در حوزه جرایم و مجازات‌ها دارند به نظر می‌رسد که اجرای این‌گونه مجازات‌های حدی همچون سنگسار و حد قطع و شلاق حدی، به مصلحت جامعه مسلمین نباشد و باعث شود که جامعه پاک اسلامی از دید قضاوت جهانی متوحش جلوه نماید. پس بهتر است که در اجرای این دسته از مجازات‌ها کمی بازنگری گردد، همان‌طوری که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به موجب ماده ۲۲۵ این قانون، مجازات رجم تعدیل شده است.

۳- نهاد تخفیف مجازات، یکی از نهادهای مؤثر در حقوق کیفری است، به‌طوری که مجازات بدون اعمال این نهاد غیر قابل تصور است و تخفیف مجازات باعث می‌گردد که شدت مجازات با شرایط و اوضاع و احوال بزه و بزهکار^۱ تعدیل شود. همچنین، در روزگار کنونی بهتر است که شرایطی فراهم شود تا بسیاری از «حدود» قابلیت این را پیدا کنند که به «تعزیرات» تبدیل شوند و از نهادهای مؤثری همچون تخفیف و تعدیل مجازات، در حدود نیز اعمال گردند، چنانکه برخی از فقهای معاصر همچون

1. Criminal.

آیت‌الله حاج احمد خوانساری و آیت‌الله یوسف صانعی نیز جواز تبدیل «حد» به «تعزیر» را در زمان غیبت امام معصوم (ع) داده‌اند. در حقیقت، در یک حکم کلی می‌توان گفت که هر عملی که باعث شود تا از بروز جرایم مستوجب حد پیشگیری گردد و یا مرتکب آن بعد از ارتکاب، اصلاح و بازپروری شود این همان خواست خداوند متعال است که باید مورد توجه و عنایت ویژه قرار گیرد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیمی، محمد؛ مجازات‌های بدنی اسلامی از منظر نظام بین‌الملل حقوق بشر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه مفید، قم، ۱۳۸۵.
۳. اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد ۳، میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۵.
۴. باباخانی، علی؛ موقعیت اصل فردی کردن در حقوق جزای اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۵. بخشی‌زاده اهری، امین؛ محشای قانون مجازات اسلامی، انتشارات جاوید نو، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۶. پیوندی، غلامرضا؛ حکمت‌های کیفر در نظام جزایی اسلام، مجله حقوق اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۷، بهار ۱۳۹۵.
۷. جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ عظمت نمادین حدود و موانع اجرایی آن، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۳، پاییز ۱۳۹۲.
۸. زندی، محمدرضا؛ تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، نیمسال اول تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ بررسی‌های اسلامی، جلد ۲، نشر هجرت، قم، بی‌تا.
۱۰. فاضل موحدی لنکرانی، محمد؛ شرح فارسی تحریر الوسیله امام خمینی (ره)، جلد ۲ (باب حدود)، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)، ۱۳۸۶.
۱۱. فتحی، حجت‌الله؛ شرح مبسوط در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جلد ۱، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذاهب اهل بیت (ع)، قم، ۱۳۹۳.
۱۲. فلاحی، احمد؛ مجازات در حقوق کیفری اسلام، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۰، تابستان ۱۳۸۹.
۱۳. فیومی، احمد بن محمد؛ مصباح المنیر، انتشارات دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۴. القاسمی، محمد سعود عالم؛ بررسی تغییر احکام شرعی در گذر زمان و مکان، ترجمه جمیل تبوراک و ابراهیم صالحی‌پور، فصلنامه ادیان، مذاهب و عرفان، سال چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۸۸.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی، جلد ۴، انتشارات دارالمکتب الاسلامی، چاپ

چهارم، ۱۴۰۷ق.

۱۶. گلدوزیان، ایرج؛ *محشای قانون مجازات اسلامی*، مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۳.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد؛ *میزان الحکمة*، جلد ۲، مؤسسه فرهنگی دار الحدیث، قم، ۱۳۸۹.
۱۸. مصطفوی، حسن؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۱۹. معین، محمد؛ *فرهنگ فارسی*، انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۰. ولیدی، محمدصالح؛ *بایسته‌های قانون مجازات اسلامی*، جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۲۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ *بایسته‌های فقه جزا*، میزان، ۱۴۱۹ق.

Rejection or Acceptance: Mitigation of Punishment in Crimes Punishable by Hadd

MohammadReza Zandi*
Adnan Omranifar**

Received: 07/06/2017

Accepted: 28/08/2017

Abstract:

Under Islamic criminal law, hadd is a punishment for which the grounds for, type, amount and conditions of execution are specified in Shari'a. In fact, when a given crime and its punishment mentioned in Shari'a explicitly, unlike Ta'zir, legislator is not allowed to revise or change such crime or its punishment according to expediency or existing circumstances and conditions, but there is a controversy among jurisconsults and lawyers in this regard. This article tries to analyses and reviews the opinions of those believing in possibility of mitigation of hadd sentences or those who believe in so-called "updating" such commands, according to legal and Shari'a bases and also from the perspective of criminology while maintaining the principle of immitigability of hadd. It is also indicated that under Islamic Penal Code of 2013, legislator shows its enthusiasm, comparing to previous Penal Code of 1991, to introduce mitigation to hadd.

Key words: Crimes Punishable by Hadd, Punishment, Mitigation, expediency, Rehabilitation.

*Assistant Professor at Law Faculty of Central Tehran Branch of Islamic Azad University.
dr.z.cyber@gmail.com

**M.A Student of Criminal Law and Criminology at Central Tehran Branch of Islamic Azad University.
adnan.om.far@gmail.com